

"شکست مرگبار" یا "خاموشی ناآگاهانه"؟

سند زنده یک حقیقت تلخ و ناگوار
قربانی رویدادهای بزرگ کشور

ماهیت استقلال طلبی سیاسی گروه‌های جهادی
چگونگی هماهنگی جهادگران بین‌المللی
دیدار خصوصی با پیامدهای عمومی
استدلال‌های میدان نبرد

"شکست مرگبار" یا "خاموشی ناآگاهانه" در زبان فارسی، بمثابة اصطلاحی متداول در منابع علمی نیست؛ اما با توجه به کلمات کلیدی، شکست‌های مرگبار ناشی از خاموشی ناآگاهانه، اغلب منجر به فجایع زیرساختی، آسیب‌های زیست‌محیطی و تلفات انسانی شده‌اند. اما "شکست مرگبار" بمثابة مفهومی در دسترا تیزری نظامی است که با تضمین پاسخ فوری، خودکار و کوبنده بیک حمله، حتی اگر کسی بمنظور انجام چنین تلافی‌جویی باقی‌نمانده باشد، بازدارندگی را ایجاد می‌نماید. اصطلاح "شکست مرگبار" در مقابل "شکست امن" ابداع گردید. عبارت "شکست مرگبار" می‌تواند با جزای خاص فناوری باطل سیستم کنترل و نظارت اشاره داشته باشد. این مفهوم در مقابل "شکست امن" قرار دارد که در صورت بروز نقص، از تکوین فاجعه جلوگیری مینماید. اما "شکست مرگبار" تلافی‌نهایی را تضمین مینماید. عدم موفقیت‌کننده نیست، اما عدم تغییر ممکن است تباه‌کننده باشد. موفقیت اغلب برای کسانی حاصل میگردد که از شکست نمیهراسند. فقط کسانی که جرأت پذیرفتن شکست را دارند، می‌توانند بموفقیت بیشماری دست یابند. اگر کسی آمادگی اشتباه کردن را نداشته باشد، هرگز بجایی نخواهد رسید. یا بسخن دیگر، بزرگ شدن تنها راه مطمئن برای شکست خوردن میباشد. اگر هیچ‌کاری امتحان نگردد، نمیتوان شکست خورد. این را باید دانست که بمنظور داشتن زندگی مورد نظر، بااستقامت نیاز دارید. شکست باید معلم ما با شد، نه مایه تأسف ما، شکست تأخیر است، نه نرسیدن. این مفهوم یک گذرگاه موقت است، نه یک بن بست. شکست چیز نیست که ما با نگفتن هیچ چیز، انجام ندادن هیچ کاری و کوچک در نظر گرفتن خود می‌توانیم از آن جلوگیری نماییم.

با تحلیل و تفسیر رویدادهایی که در شرایط و وضعیت حاضر در شرف تکوین میباشد، در کنار همه موارد، بویژه پیشبینی‌هایی در مورد اوضاع بعدی جهان برین بنیاد مطرح می‌گردد که ممکن بدترین سناریوها در عرصه جهانی بوقوع پیوسته، تروریزم شبه نظامی اسلام‌گرا و ناتوانایی جامعه جهانی در امر مقابله با آن، در عین حال که تمایلش را برای نشان دادن این واقعیت به جهان که ایالات متحده یک "ببر کاغذی" نیست، حفظ میکند و این درحالیست که جهان اسلام هنوز تنها یک موجودیت تمدنی مجازی می‌باشد. صدها میلیون تن از مسلمانان بدلیل اعتقادات مذهبی خود متحد بوده و اما بدلیل و برهان مکاتب سیاسی، نوع نگرش بمأهیت قدرت سیاسی و بر بنیاد تاریخ مذهبی و نوع برداشت از رژیم‌های سیاسی و غیره از هم جدا میباشند. با اینحال، از منظر ستراتیژیک، جوامع اسلامی بمثابة منبع قدرتمندی بمنظور مقاومت در قبال ظهور و پیدایش نظم نوین جهانی محسوب می‌گردند. اگر سیر حوادث جهان، بر منوال کنونی تداوم یابد، آینده جهان غیر از آنچه خواهد بود که تا کنون پیشبینی میگردد. شگاف فزاینده میان کشورهای نهایت فقیر و فوق العاده ثروتمند نه تنها منجر بحاشیه نشینی کشورهای منفرد شده، بلکه اکنون در برگیرنده کل مناطق جهان بمفهوم وسیع

کلمه شده است. مشکلات و معضلات جهان اسلام، سبب سازشکل گیری و انجام اقدامات تروریستی فراملی، از جمله در کشورهای اروپایی خواهد گردید. در هر صورت، سطح عملکردهای تروریزم بین المللی، احتمالان در دهه های پیشرو افزایش خواهد یافت، از جمله تهدیدهای نظامی - سیاسی که کشور عزیزما با آن مواجه می باشد. می توان به درگیری های مسلحانه بالقوه در نزدیکی مرزهای آن و خطر کشاندن کشور بآن و شکل بندی یک محیط نظامی - سیاسی غیردوستانه، مشکل عدم برسمیت شناختن حاکمیت کنونی در کشور و حتا برنامه هایی که در حال حاضر و وضعیت کنونی، جابجا متوقف شده اند، اما لغو نشده اند، اشاره نمود. بسیاری ها، اقدامات اینچنینی را بمثابة اعلام جنگ سرد جدید و یک تحریک آشکار می پندارند. با افزایش افراط گرایی اسلامی، در امتداد زمانی کوتاهی، منطقه با بی ثباتی هایی مواجه خواهد گردید. اگر نتوان با بکارگیری ابزارهای سیاسی از رویارویی با جهان اسلام جلوگیری بعمل آورد، ممکنست تنش ها با برخی از کشورهای مسلمان که بدنبال تسلط بر منطقه جغرافیایی وسیعی از بوسنی تا تاجیکستان می باشند، عمیقتر گردد. بی ثبات سازی وضعیت در آسیای مرکزی یکی از مسایل فوری پنداشته می شود. اما اینهم بخاطر ما باشد که در ساحة عدم اشاعه و گسترش سلاح هستوی، بحرانی نیز در حال شکل گیری میباشد. آزمایش ذروی توسط کوریای شمالی، بخودی خود، ناکافی بودن ابزارهای سیاسی و نظامی که شش کشور درگیر در حل و فصل مسأله کوریای شمالی می توانند بمنظور مقابله با گسترش سلاح های هستوی بکارگیرند را عملن نشان داد که خود می تواند بمثابة هشدار برای سایر کشورهای که از موجودیت و داشتن سلاح هستوی محروم اند، پنداشته شود. تکثیر سلاحهای هستوی در خاور دور و آسیای جنوب شرقی، جایی که تعدادی از کشورهای از قابلیت های فنی بمنظور توسعه سریع سلاح های یاد شده برخوردارند، بشدت افزایش یابد. می توان منتظر تحولات مشابهی در خاور میانه، از جمله عربستان، ترکیه، مصر و تعداد دیگری از کشورهای بود. بخاطر ما باشد که ایالات متحده، بویژه در امتداد سال های پسین، از جمله، سه ضربه نیرومند باصول عدم اشاعه سلاح های هستوی وارد نموده است که موارد یادشده، از جمله را می توان چنین برشمرد:

نخستین مورد، خروج از پیمان ضدراکتی سال ۱۳۵۱ خورشیدی بود. امر فوق، بر مجموع سیستم توافقاتی که در امتداد زمانی جنگ سرد، با زحمت ایجاد شده بود، تأثیرگذار واقع گردید. دومین مورد، دکترین هسته یی جدید ایالات متحده که تنها بکارگیری احتمالی از سلاح های هستوی را کاهش نداده، بلکه آنهمه را از زرادخانه های بازدارندگی سیاسی به زرادخانه سلاح های میدان نبرد منتقل نمود. با وجود اینهمه، این احتمال نیز موجود می باشد که دکترین هستوی روسیه بگونه بی سرو صدا در جهت مشابهی در تکامل باشد و سوم هم اینکه، برسمیت شناختن هند بمثابة قدرت هستوی بالفعل و انعقاد پیمانی با آن کشور در مورد همکاری های هستوی در مقیاس بزرگ بود. در نهایت امر، آخرین اقامه دعوا و استدلال های سیاسی و اخلاقی علیه گسترش، پخش و اشاعه سلاح های هستوی از میان رفت. در واقعیت امر، در وضعیت اینچنینی، تنها تهدید به زور باقی ماند و اما در مورد کوریای شمالی مؤثر واقع نگردیده و کارایی اش را از دست داد. اعتقاد برین است که یکی از دلایل اساسی بحران اصل عدم پخش و گسترش سلاح های هستوی، نقض عمدی ماده ششم پیمان یادشده توسط اعضای رسمی "باشگاه هسته یی" (ایالات متحده، روسیه، بریتانیا، فرانس و چین) محسوب می گردد که بر بنیاد آن، کشورهای دارنده سلاح هستوی مؤظفند تا در آینده نزدیکی، مذاکراتی را در مورد اتخاذ اقدامات مؤثر بمنظور پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحات هستوی انجام دهند.

یکی دیگر از علایم آشکار بحران در سیستم عدم انتشار سلاح های هستوی، فقدان موجودیت تضمین های امنیتی در مورد توافق های پذیرفته شده برای کشورهای غیر هستوی از جانب اعضای رسمی "باشگاه هستوی" می باشد. هرگونه نشانه ای از تضمین های اینچنینی، تنها در قالب و چارچوکات بیانیه های بسیار مهم و پراگنده از جانب نمایندگان کشور های عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۳۷۴ خورشیدی وجود دارد. اما پیشنهادهایی بمنظور انعقاد کنوا نسیونی که بگونه قانونی تضمین های امنیتی کاملی را برای کشورهای غیر هسته یی تعیین نماید، تا هنوز ارائه نگردیده است. تنها روسیه و بریتانیا از پیشنهاد یادشده حمایت نمودند. با اینحال، عوامل یادشده بهیچوجه بمثابة مهمترین عوامل بحران عدم اشاعه سلاح هستوی نمیباشد. از جمله عوامل مهم دیگر در بحران، فقدان و نبود سیاست منسجم در میان اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل در قبالی ناقضان بالفعل و بالقوه سیستم و اصول عدم اشاعه سلاح های هستوی، از جمله تصویب و اجرای عملی تحریم های مؤثر سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی می باشد. چنین بنظر می رسد که بشریت در حال ورود به عصر هستوی جدیدی است که بگونه بالقوه خطرناکتر از عصر دوره نخست می باشد. در نخستین دوره هسته یی، بویژه از اواخر دهه ۱۳۱۹ تا اوایل دهه ۱۳۳۹ خورشیدی تداوم حاصل نمود. پس از این، با وجود افزایش زرادخانه ها، اما شاهد وضعیت پایداری در سراسر جهان بودیم، زیرا شوروی و ایالات متحده

یک سیستم بازدارندگی هسته‌ی متقابل را همچنان حفظ نمودند. اما اکنون یک سیستم بازدارندگی هسته‌ی چندجانبه بسیار ناپایدار ظهور نمود.

پس از شکست ایالات متحده در کشور عزیز ما افغانستان و همچنان در عراق، احتمال آن که واشنگتن جاه طلبی‌های جهانی خود را تعدیل نموده و سیاست خارجی انزو و اطلبانه تری را پیشه خواهد کرد. با اینحال، بسیار بعید بنظر می‌رسد که اداره واشنگتن در منزوی کردن ایالات متحده در محدوده مرزهایش بسنده نماید. خاورمیانه بزرگ، بگمان غالب که بی ثباتی‌های بیشتری را تجربه خواهد نمود که می‌تواند دربرگیرنده جنگ‌ها و درگیری‌های محلی باشد. درگیری‌های مسلحانه ایالات متحده همراه و همگام با اسرائیل بویژه علیه ایران، ویرانی‌ها و قربانیان بیشماری را بجا گذاشت. اما با وجود آنکه، تهدیدهای مسلحانه بیشتر شرق و غرب بعید بنظر می‌رسد، اما ظهور چالش‌هایی را در مورد یادشده نمی‌توان مردود شمرد. با وجود اینهمه، اگر اقدامات عملی و مؤثری بمنظور مشارکت واقعی ناتو با کشورهای چون روسیه ایجاد نگردد، اتحاد یادشده بیک سازمان حافظ صلح با مشارکت دیگران تبدیل نشود و درچنین وضعیتی، زیر ساختهای آن‌الی مرزهای کشورهای دیگر امتداد یابد، آنگاه شرایط بگونه قابل توجهی غامض و پیچیده خواهد گردید. بنابراین، وخامت احتمالی روابط و مناسبات بین روسیه و غرب و افزایش بیگانگی بین آنها، یکی از تهدیدهای اصلی برای امنیت ملی و بین‌المللی بشمار می‌آید.

در خاور دور، احتمال چین تلاش‌هایش را بمنظور بازپس‌گیری تایوان تشدید خواهد نمود که می‌تواند بحران حادی را در روابط چین و آمریکا و چین و جاپان ایجاد نماید.

بعید بنظر می‌رسد که تحول اینچینی بنفع منطقه ما باشد، زیرا تکوین اوضاع یادشده بمفهوم بی ثباتی همه جانبه گل منطقه آسیا - اقیانوسیه با پیامدهای غیر قابل پیشبینی پنداشته میشود. اگر نتوانیم سیستم‌های امنیتی منطقوی را، بویژه در منطقه آسیا - اقیانوسیه و از همه مهمتر در آسیای مرکزی و خاورمیانه ایجاد کرده و سازوکارهایی را بمنظور تضمین امنیت جهانی تحت نظارت یک سازمان ملل مدرن تقویت کنیم، آنگاه تا مدت زمان مدیدی نخواهیم توانست تا از سرگیری تنش‌های حاد در یک سیستم چند قطبی روابط بین الملل را رد نماییم. امروغ، کاملن در مورد سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل نیز صدق می‌نماید که برین بنیاد، باید تلاش‌های قابل توجهی بمنظور غلبه برین بست در مذاکرات مربوط به کاهش بیشتر سلاح‌های هستوی انجام داده و تضمین‌های امنیتی الزام آور قانونی، روشی را برای کشورهای هستوی در رابطه با کشورهای غیر هسته‌ی در مورد عدم استفاده و بکارگیری سلاح‌های هسته‌ی علیها آنها ارائه نماید. کاملن واضح و مبرهن است که فقدان و نبود تضمین‌هایی از جانب کشورهای دارنده سلاح یاد شده و اتکای مداوم آنها بسلاح‌های هستوی بمثابه تأمین امنیت خودی، کشورهای در آستانه تولید تسلیحات هستوی را بیش از پیش تحریک خواهد نمود. واقعیت یادشده را در شرایط کنونی جهان نیز می‌توان مشاهده نمود.

تلاش‌های قابل توجهی بمنظور سازماندهی و انجام مذاکرات بین‌المللی بمنظور بحث و تصویب اساسنامه اجرایی در مورد استفاده صلح آمیز از فضا نیز انجام داده شده است، اقدامات و فعالیت‌هایی در مورد جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار دستجمعی و سیستم‌های پرتاب موشک‌ها، بدون شک در سطح جهانی برسمیت شناخته شده و زمینه‌های همکاری بین روسیه و ایالات متحده را مساعد نموده است. هر دو جانب باین واقعیت اذعان دارند که به تنهایی نمی‌توانند، مشکل یادشده را مرفوع نمایند. حتا مخالفان همکاری روسیه و آمریکا نیز ناگزیر باذعان موضوع فوق میباشند، چه، عدم اشاعه سلاح‌های کشتار دستجمعی و سیستم‌های پرتاب آنها، جز حوزة ای از اختیارات و مسؤلیت‌های بین‌المللی بوده که در آن منافع روسیه و آمریکا، تقریبین کاملن همسو میباشند. یکی از حوزة‌های ویژه تعامل دیپلوماتیک، تلاش‌های هماهنگ بمنظور حل و فصل مناقشات و رفع بحران‌های منطقوی است که بمثابه زمینه ساز گسترش سلاح‌های هستوی عمل می‌کنند.

قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که هر دو کشور یادشده، بویژه می‌توانند تدوین رژیم‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی را آغاز نمایند. حوزة‌های اصلی کار مشترک همچنین شامل اقدامات سیاسی بمنظور از میان برداشتن انگیزه‌ها بمنظور در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار دستجمعی و موشکها، از جمله حل و فصل درگیری‌ها و جلوگیری از بحران‌ها در مناطق مختلف جهان می‌باشد.

از این گذشته، اگر انگیزه‌هایی را که کشورها را بداشتن سلاح‌های کشتار دستجمعی سوق می‌دهد، تجزیه و تحلیل نماییم، این واقعیت واضح و مبرهن می‌گردد که بسیاری از کشورهای یادشده با درگیری‌های منطقوی دیرینه ای مرتبط می‌باشند که بر بنیاد اختلافات ملی، قومی و یا ادعاهای ارضی که دارای ریشه‌های تاریخی عمیقی می‌باشند، پدید آمده اند. این انگیزه‌ها عمدتین در مناطق و محلات درگیری‌های منطقوی سنتی، بویژه در خاور میانه، آسیای

جنوب شرقی و شبه جزیره کوریا مشهود بوده و در بیشتر موارد، دلایل جدی دارند. بنابراین، درخواست از این کشورها بمنظور پیوستن بقرارداد "عدم گسترش سلاح های یادشده"، اصلن بیمعنا می باشد. صحبت در مورد ایجاد مناطق عاری از سلاح های هستوی و موشکی نیز بعید است تا در مورد کمک نماید. سلاح های یادشده، در آنجا علت درگیری نبوده، بلکه بمثابه پیامدهای آن محسوب می گردد.

بنابراین، مشکلات مربوط بسلاح های هستوی تنها در چارچوب یک توافق جامع سیاسی در منطقه و با در نظر گرفتن نگرانی های همه طرف های ذینفع، قابل حل می باشد. پس از آنکه استفاده و بکارگیری از ابزارهای دیپلوماتیک و بازدارندگی ناکارآمد بوده اند، بمنظور مؤفقت سناریوی یادشده، توسعه سامانه های دفاع هوایی تاکتیکی، از جمله اس - ۳۰۰ و اس - ۴۰۰ باید در دستور کار قرار داده شود. چه، سیستم های دفاعی، بویژه دفاع هوایی و دفاع موشکی تاکتیکی بمنظور مقابله با گسترش سلاحهای هستوی، مؤثر واقع خواهد گردید و این در وضعیت است که ایالات متحده در حال توسعه طیف وسیعی از سامانه های دفاع موشکی از یک سامانه پاتریوت اصلاح شده گرفته تا توسعه سامانه های دفاع هوایی و دفاع موشکی مستقر در هوا و دریاست. وسایل دفاع هوایی و دفاع موشکی ممکنست بمنظور محافظت و پوشش تأسیسات مهم نظامی، نیروهای مسلح و تجهیزات نظامی، وسایل موشکی و مناطق پر جمعیت، از جمله در چارچوب عملیات مشترک، ضروری باشند.

در نهایت نیشته حاضر و بمثابه نتیجه گیری، بایست یاددهانی بعمل آورد که با موجودیت تهدیدهای مطرح، اگر اعضای مسؤل جامعه جهانی در امتداد زمانی ۳-۴ سال آینده، بمنظور توقف و یا حائل کاهش تهدیدهای یادشده، گام های مؤثری برندارند، موارد اخیرن ذکر شده، بگونه ای افزایش حاصل خواهند نمود. موارد یادشده در فوق، باید بگونه جدی مورد توجه قرار داده شوند. اگر این کار بموقع اجرا نگردد، منابع و تلاش های بیشتری بمنظور مقابله با آنها مورد نیاز خواهد بود. در وضعیت اینچنینی، اما اگر منابع و تلاش های بیشتری بمنظور مقابله با آنها مورد نیاز باشد که با در نظر داشت اوضاع بوجود آمده، ممکن بمنظور جلوگیری از فاجعه کافی و بسنده نباشد، چه، بر بنیاد پیشگویی هایی، در وضع حاضر شاهد سه تا شش قدرت هسته یی دیگر در جهان می باشیم. اگر پروسه اینچنینی تداوم یابد، به ماشه فروپاشی پیمان منع گسترش سلاح های هستوی فشار وارد خواهد گردید. در بدترین حالت، تعدادی از کشورهای دیگر میتوانند، به "باشگاه هستوی" بپیوندند، از جمله کشورهایی که در باره در امر انتخاب شان بنفع وضعیت غیر هستوی تجدید نظر خواهند کرد که درین مورد در گام نخست می توان از کشورهایی چون کوریای جنوبی، جاپان، تایوان، لیبیا، سوریه، مصر، عربستان، الجزایر، ترکیه، برازیل و آرژنتاین نام برد. بنابراین، در امتداد زمانی ۸-۱۲ ساله، جهان بر راحتی با بحران های هسته یی و گسترش زرادخانه های آن در کشورهای دیگر، از جمله موارد دیگر، با رژیم های ناپایدار روبرو گردد، جایی که شرایط نگهداری ایمن سلاح های هسته یی و رعایت الزامات بمنظور جلوگیری از دسترسی واستفاده غیر مجاز از این سلاح ها در پایین ترین سطح خواهد بود.

همه ی اینها، همراه با احتمال واقعی تروریزم هسته یی می تواند نه تنها در منطقه، بلکه در مقیاس جهانی تهدیداتی را از قوه بفعال مبدل نماید.

یکشنبه ۲۳ ماه حمل سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۱۲ ماه اپریل سال ۲۰۲۶ ترسایی